

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با حمایت معنوی مرکز علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی
شماره مجوز: ۹۸/۲۳۵۱-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۸
شماره مقاله: ۸۰۵/۰۳۰۸
رده بندی کنگره: غ ۱۰۱/۴۷۲

بررسی و تحلیل مبانی و آثار آزادی مشروط و تاثیر آن در اصلاح مجرمین

ایرج جلیلیان

چکیده

آزادی مشروط اعطای آزادی ای است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان به حبس داده می شود تا چنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین می کند از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورهای دادگاه را اجرا کنند، از آزادی مطلق برخوردار شوند. این اقدام در جهت اصلاح بزه کار و آماده ساختن وی برای بازگشت به زندگی اجتماعی صورت می گیرد. آزادی مشروط شامل کلیه زندانیان اعم از زن و مرد با هر سنی می گردد. مجرمی که با آزادی مشروط به جامعه بازگردانده شده تحت مراقبت و پایش قرار دارد و در عین حال که تحت نظر مقامات انتظامی است، تحت حمایت های درمانی نیز قرار دارد. نخستین بار آزادی مشروط در سال ۱۳۳۷ وارد نظام کیفری ایران شد. به موجب ماده واحده این قانون هر کس که برای مرتبه اول به علت ارتکاب جنحه یا جنایت به مجازات حبس محکوم شده بود تحت شرایطی می توانست از آزادی مشروط استفاده نماید این قانون بعدها وارد قانون مجازات اسلامی گردید و در سال ۱۳۷۷ اصلاح شد و در آخرین مرحله به تاریخ اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۲ شمسی در قانون مجازات اسلامی اصلاح شد. چرخش اندیشه کیفری از مفهوم مجرد بزه، مسئولیت جزایی و ضرورت توجه به انسان، سبب شده است که بزهکار به عنوان انسانی نیازمند به کمک، شایسته تربیت و اصلاح و ارفاق مورد توجه قرار گیرد. چنین رویکردی از اجرای مجازات، وقتی با مفهوم اصلاح همراه شود، به این نتیجه منطقی منجر می گردد که با تحقق اصلاح و باز اجتماعی شدن بزهکار، دگر نیازی به

گذراندن دوران کامل محکومیت نیست. حال چنانچه موضوع محکومیت کیفری تحمل مجازات سالب آزادی باشد، با توسل به تاسیس «آزادی مشروط» می توان در جهت دستیابی به اهداف مذکور گام برداشت.

واژگان کلیدی: آزادی مشروط، تعلیق مجازات، آزادی مجرم، حقوق جامعه، قانون مجازات، حبس و زندان

بخش اول: کلیات

بند اول: معنا و مفهوم زندان

در زبان فارسی برای کلمه زندان و سایر مترادف های آن کاربرد و استفاده فراوانی شده و در فرهنگ لغات تعاریف متعددی از آن ارائه گردیده است. پاره ای نویسندگان زندان را جایی تعریف کرده اند که متهمان و محکومان را در آنجا نگه می دارند. (دهخدا، ۱۳۴۸: ۴۸۵ و ۴۸۶) عده ای نیز زندان را با کسر ز یعنی بندیخانه تعریف نموده و زندانبان به معنای کسی است که زندانیان را محافظت می کرده است. (فرهنگ آندراج، ۱۳۳۶: ۲۵۳) در زبان عربی نیز واژه های گوناگونی همچون سجن، حبس، وقف، اثبات، حصر، اقرار، امساک و... به کار رفته که به نظر می رسد دو واژه «حبس» و «سجن» بهترین معادل ها برای این واژه در زبان عربی باشند. «السجن یعنی در زندان نگه داشتن، رب السجن احب الی...» یعنی پروردگارا زندان برای من دوست داشتنی تر از چیزی است که مرا به آن فرا می خوانند». (منتظری، ۱۳۷۱: ۲۵) همچنین در لسان العرب «حبس، احتبس و حبسه به معنای جلوگیری کردن و باز داشتن هستند. حبس ضد تخلیه و گشودگی است. حبس محبس و محبس اسم مکان و محل هستند و معنای بازداشتگاه را دارند». (ابن منظور، ۱۳۸۷: ۴۶) با توجه به عبارت گفته شده می توان سجن و حبس را به معنای محدود کردن کسی از رفت و آمده آزادانه و با اختیار خود دانست. محبس را نیز می توان مکانی دانست که چنین محدودیتی را بر فرد تحمیل کند. در قوانین و مقررات برخلاف آزادی مشروط که قانونگذار تعریفی از آن را